

## شوراهای اسلامی و حداقل دستمزد امسال

اواسط اسفند است و شورای عالی کار که هر ساله موظف است حداقل دستمزد کارگران را تعیین کند هنوز موفق به تصمیم گیری نشده است زیرا نمایندگان شورای اسلامی تاکنون با مقدار افزایش پیشنهادی موافق نکرده اند و آنرا کافی نمی دانند.

در تمام سالهای گذشته میزان افزایش مصوب شورای عالی کار کمتر از مقداری بوده است که شوراهای اسلامی مطالبه می کرده اند، چرا که اگر غیر از آن بود بازی نمی توانست ادامه داشته باشد. اما مخالفت امسال شورای اسلامی را باید از زاویه دیگری مورد بحث قرار داد.

وجود شوراهای اسلامی مدیون رژیم اسلامی است. شوراهای اسلامی هستند چون قدرت رژیم اسلامی را پشت خود داشته اند. فعالین و رهبران جنبش کارگری ایران که مخالف شورای اسلامی بوده اند، توسط خود فعالین شوراها و انجمنهای اسلامی لو داده شده اند و ارگانهای اطلاعاتی رژیم آنها را اخراج، دستگیر، شکنجه و اعدام کرده اند و بخشی نیز مجبور به مهاجرت به خارج کشور شده اند. شوراهای اسلامی پایگاهی در میان طبقه کارگر ایران ندارند. سیاستهای جنبش اصلاحات در قبال جنبش کارگری و اختلافات جناحهای حکومت موقعیت شوراهای اسلامی را در میان حامیان همیشگی اش یعنی رژیم اسلامی تضعیف کرده است. اینها وزیرکار حامی خود در کابینه خاتمی را علیرغم تمام تلاشی که کردند از دست دادند اگر چه در کوتاه مدت هنوز در سطوح گوناگون وزارت کار حامیانی دارند. آنها هنوز توسط سازمان جهانی کار نیز برسمیت شناخته نشده اند و برای اینکار با موانعی روبرو هستند. شوراهای اسلامی برای باقی ماندن یک راه بیشتر ندارند و آن یافتن پایگاه در میان جنبش کارگری ایران است. علت مخالفت پر سروصدای آنها با پیشنهادات مطرح در شورای عالی کار در قبال میزان افزایش حداقل دستمزد را باید در این چارچوب دید. هر چند هنوز برای موافقت توأم با غرولند شوراهای اسلامی با پیشنهادات شورای عالی کار در "دقیقه ۹۰" فرصت کافی برای ایجاد "هیجان" و "تهدید" باقی است اما همه این اقدامات را باید در ادامه ظاهر شدن شوراهای اسلامی بعنوان نمایندگان کارگران در امضای پیمانهای دسته جمعی با کارفرماها در دیماه گذشته دید.

جنبش کارگری و کل طبقه کارگر ایران می دانند که فاصله دستمزدی که میخواهند با آنچه که رژیم و همین شوراهای اسلامی به آنها تحمیل کرده اند چقدر است. اگر همین امروز بخشی از جنبش کارگری خواهان پنج برابر شدن حداقل دستمزدها بشود بخشهایی هستند که آنرا بسیار ناکافی می دانند. بنابراین بحث بر سر مبلغی که باید به حداقل دستمزد کارگران اضافه شود برای جنبش کارگری ایران آگاهی بخش نیست و اینکه سیاستهای رژیم اسلامی مسبب ایجاد این وضع شده است نیز افشاگری محسوب نمی شود. آگاهی به این موارد در جنبش کارگری ایران از بدیهیات است. لذا آنچه شوراهای اسلامی این روزها درباره حداقل دستمزدها انجام میدهند نه آگاهگرانه است و نه افشاگرانه. آنچه که جنبش کارگری ایران حتی در قبال همین تعیین حداقل دستمزد سالانه بدان نیاز دارد تشکل است. سازمان یافتن برای مبارزه است. لیست مطالباتی جنبش کارگری ایران طی این سالها اشباع شده است. کارگران به تشکل نیاز دارند تا برای این مطالبات مبارزه کنند. مهمترین ابزار جنبش کارگری برای به کرسی نشاندن مطالبات تشکل و اعتصاب است و شوراهای اسلامی علیه و مانع متشکل شدن و اعتصاب کارگران هستند.

\*\*\*

## اهمیت اعتراض معلمان

اعتراض و تظاهرات معلمان برای مدتی فضای سیاسی ایران بویژه در اپوزیسیون را تحت تاثیر قرار داد و تحلیلهای متفاوتی از آن بعمل آمد. هدف این مطلب توضیح فشرده و فهرست وار دلایل اهمیت اعتراض

معلمان برای افزایش دستمزد است.

۱ - معلمان یک قشر عظیم اند و از طریق دانش آموزان با کل جامعه ایران در تماس هستند. لذا از این قدرت و امکان برخوردارند که سریعاً با کل جامعه ارتباط برقرار کنند و آنها را تحت تاثیر قرار دهند.

۲ - همزمان شدن اعتراض معلمان با جلسات دادگاه جزایری و ارقامی که در آن مطرح شد در تهیج معلمان در مبارزه حول افزایش دستمزد نقش بسزایی داشت و در حمایت افکار عمومی از آنها بسیار موثر بود. ارقام مطرح شده در دادگاه جزایری و معلمانی که فیشهای حقوق خود را در دست داشتند، فاصله درآمد در دو سوی جامعه را نشان داد که می تواند کارگران را برای مبارزه حول افزایش دستمزد ترغیب و تشویق کند.

۳ - معلمان در حال حاضر از نظر اقتصادی در سطح طبقه کارگر هستند و یا فاصله زیادی با آنها ندارند. بنابراین اعتراض و مبارزه آنها برای افزایش دستمزد سرعت می تواند کل جنبش کارگری را نیز در مبارزه برای افزایش دستمزد تحت تاثیر قرار دهد. بویژه اینکه اعتراضات جاری کارگری اساساً حول دریافت دستمزدهای معوقه است و رویکرد جنبش کارگری ایران به مبارزه برای افزایش دستمزد اوضاع سیاسی ایران را متحول خواهد کرد و تاثیراتی بسیار ماندگار بر آن باقی خواهد گذاشت.

۴ - تشکیلات و نوع سازمانی که معلمان درست خواهند کرد میتواند الگوی کارگران باشد اگر رادیکال عمل کند و در غیر این صورت میتواند الگوی جنبش اصلاحات باشد برای ارائه و حقه به کارگران. تلاش جناحهای رژیم برای کنترل اعتراض معلمان و درس هایی که از آن می گیرند میتواند برای کنترل حرکت کارگران بکار رود. جنبش اصلاحات اگر بتواند سازمان و تشکیلاتی که معلمان میسازند را بطور عمومی تحت کنترل و نفوذ ایدئولوژیک خود در آورد برای اجرای همین مقاصدش در جنبش کارگری یک گام مهم به جلو گذاشته است.

۵ - مبارزه معلمان برای افزایش دستمزد مهمترین ضعف جنبش اصلاحات را مورد حمله قرار داده است. ممکن است بتوان افشار دیگر را با اعطای حقوق سیاسی و اجتماعی راضی نگه داشت اما تا آنجا که به طبقه کارگر بر می گردد اگر جنبش اصلاحات نتواند علاوه بر اینها پاسخگوی مطالبات اقتصادی کارگران باشد، اعتراضات کارگری جنبش اصلاحات را در یک تنگنای مرگ و زندگی قرار خواهد داد.

۶ - همزمان شدن مبارزه معلمان برای افزایش حقوق با ماههای پایانی سال که زمان تعیین حداقل دستمزد کارگران است، رژیم و شوراهای اسلامی را برای سرهم بندی کردن یک افزایش دستمزد ناچیز و در واقع هیچ، هماگونه که در سالهای قبل انجام دادند، با دشواری روبرو خواهد ساخت. بنابراین امسال شوراهای اسلامی ناچار خواهند بود حول "چانه زنی" خود یک کمپین عظیم برپا کنند و تا آخرین لحظه خود را یک جریان آشتی ناپذیر جلوه دهند. آنچه امسال شوراهای اسلامی برای تعیین حداقل دستمزد خواهند کرد اساساً باید در چارچوب تلاش آنها برای طول عمر ارزیابی شود. موقعیت آنها در بالا تضعیف شده است. جنبش اصلاحات سیاسی برای کنترل جنبش کارگری ایران و اعمال نفوذ بر آن تشکلهایی نظیر شوراهای اسلامی را کارساز نمی داند. کما اینکه تشکلهایی از این دست قادر نشدند حرکت معلمان را کنترل کنند و هر دو جناح رژیم سراسیمه شدند.

۷ - کارگران و معلمان هر دو فاقد تشکل هستند و این در شرایط فعلی یک تیغ دو لبه است. فقدان تشکیلات هم مانع مبارزه متشکل و به این اعتبار مانع یک مبارزه قدرتمند برای دست یابی به خواستهای کارگران است که این به نفع رژیم اسلامی است و در عین حال چنانچه چنین مبارزه ای در بگیرد غیر قابل کنترل می گردد و این برای رژیم اسلامی مهلک است.

\*\*\*

## شوراهای اسلامی و پیمانهای دسته جمعی

در سوم دیماه روزنامه کیهان اعلام کرد که اولین پیمان دسته جمعی بین تشکلهای کارگری و کارفرمایی و با حضور نمایندگان سازمان جهانی کار به امضا رسید. رئیس کانون عالی شورای اسلامی کار بعنوان نماینده رسمی کارگران این پیمان دسته جمعی را امضا کرده است که شامل حق بیمه کارگران، چگونگی رفع اختلاف میان کارگر و کارفرما و مسائل

مربوط به حفاظت و بهداشت کارگران است و تا پایان سومین برنامه توسعه اقتصادی رژیم اسلامی اعتبار دارد.

در ارتباط با این قرارداد دسته جمعی به نکات زیر باید توجه کرد:  
۱ - شوراها اسلامی نماینده کارگران نیستند و پیمانهایی که بین آنها و کارفرماها منعقد میشود هیچ رسمیتی نزد کارگران ندارد. اگر مهمترین خاصیت پیمانهای دسته جمعی تعهد دو طرف قرارداد به اجرای آن در یک مدت معین است، کارگران هیچ تعهدی به اجرای قراردادی که کارفرماها با شوراها اسلامی منعقد کرده اند ندارد و حضور نمایندگان سازمان جهانی کار بعنوان شاهد در مراسم امضای این پیمان تغییری در بی اعتباری این قرارداد نزد کارگران نمی دهد. بی اعتباری این پیمان دسته جمعی نزد کارگران مستقل از مفاد آن است. بنابراین کارگران هر موقع لازم بدانند برای خواست های خود اعتصاب و اعتراض خواهند کرد هر چند که شوراها اسلامی در این پیمان دسته جمعی از این خواست صرف نظر کرده باشند.

۲ - مفاد پیمانهای دسته جمعی قبل از اینکه مبنای مذاکره با کارفرماها قرار بگیرد باید در میان کارگران به بحث گذاشته شود و از این طریق خواسته های مورد مذاکره با کارفرماها باید توسط کارگران تعیین شود.

۳ - هیچ پیمان دسته جمعی رسمیت نهایی نمی یابد مگر توسط اکثریت کارگران به تصویب رسیده باشد. هر پیمان دسته جمعی بعد از اینکه در پایان مذاکرات مورد موافقت نمایندگان کارگران و کارفرماها قرار می گیرد باید برای تصویب نهایی به رای عموم کارگران گذاشته شود و هنگامی که اکثریت کارگران به آن رای مثبت دادند رسمیت خواهد یافت و کارگران متعهد به اجرای آن خواهند بود. بنابراین آندسته از پیمانهای دسته جمعی که هنگام مذاکرات تنها مورد موافقت نمایندگان کارگران

قرار گرفته و به امضای آنها رسیده باشد نزد کارگران رسمیت ندارد. دلیل این امر این است که مذاکره نمایندگان کارگران با کارفرماها مطابق میل کارگران پیش نخواهد رفت و کارفرماها در پای لیست کلیه خواستهای کارگران امضا نخواهند گذاشت، عموماً خواستهایی که در پایان مذاکرات توسط کارفرما مورد موافقت قرار می گیرد نسبت به آنچه کارگران خواهان آن بوده اند تغییراتی کرده و بعضاً تعدیلهایی در آن صورت پذیرفته است. لزوم رای عموم کارگران به مطالبات توافق شده در مذاکرات ناشی از ضرورت اظهار نظر نهایی کارگران به تغییرات انجام شده در طول مذاکرات است.

۴ - پیمانی که شوراها اسلامی با کارفرما منعقد کرده اند تا پایان سومین برنامه توسعه اقتصادی رژیم اسلامی اعتبار دارد. به نفع کارگران است که مدت اعتبار پیمانهای دسته جمعی هر چه کوتاه مدت تر باشد. پیمانهای دسته جمعی با اعتبار دو ساله طولانی ترین مدتی است که کارگران باید به آن رضایت دهند. چرا که هر چه مدت اعتبار پیمان دسته جمعی طولانی تر باشد احتمال تغییر اوضاع اقتصادی و سیاسی نسبت به زمان انعقاد قرارداد بیشتر است و شرط عقل است که کارگران دست و پای خود را برای تغییر مفاد قرارداد هنگامی که اوضاع تغییر می کند، نبندند. بعلاوه موافقت با پیمانهای دو ساله نیز باید توسط آندسته از تشکلهای کارگری صورت گیرد که مانند تشکلهای کارفرمایی دهها اقتصاد دان ورزیده در استخدام خود دارند و می توانند با اتکا به دانش آنها اوضاع دو ساله اقتصادی و بویژه رشته مورد نظر را همسطح متخصصان کارفرماها پیش بینی کنند. در غیر این صورت امضای پیمانهای دسته جمعی هنگامی که اوضاع تغییر میکند فقط میتواند برای کارگران محدودیت ایجاد کند.

به نقل از

# بارو

شماره ۴ و ۵، بهمن و اسفند ۱۳۸۰ (ژانویه و فوریه ۲۰۰۲)

ماهنامه اتحاد سوسیالیستی کارگری  
[www.wsu-iran.org](http://www.wsu-iran.org)